



Analysis of proverbs and allusions in Hariri's works based on cognitive linguistics

Moahmmad Sheikh¹, Reza Rezaei², Obeydollah Koch Totazahi^{3*}

¹ Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran.

² Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran.

³ PhD student in Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran.

Article Info ABSTRACT

Article type:

Research Article

Received:

01/12/2024

Accepted:

21/01/2025

Cognitive linguistics is one of the new trends in psychology that has effective tools and methods for analyzing texts. One of them is the theory of conceptual metaphor. Since idioms and proverbs have abstract concepts and their expression requires domains of origin, examining them in the framework of the theory of conceptual metaphor is of great importance. The pioneering research, using an analytical-descriptive method, has examined conceptual metaphors in proverbs and idioms in Hariri's works, and its findings show that Hariri has conceptualized idioms and proverbs based on different domains of origin. The domains of origin that were examined in the pioneering research include; human body parts, animals, war tools, colors, clothing, etc., which are among the most widely used domains through which mental concepts and abstractions are conceptualized. In addition, some of the allusions, in addition to conceptual metaphor, also have a movement schema. Since the origin of most proverbs is individuals, another area titled: Metaphorical names of individuals was analyzed. The frequency of this type of proverbs is high in Hariri authorities and they are often mentioned with the verb of exaggeration.

Keywords: *proverb, irony, Hariri, conceptual metaphor, cognitive linguistics*

Cite this article: Sheikh, M.& Rezaei, R. & Koch Totazahi, O. (2025). *Analysis of proverbs and allusions in Hariri's works based on cognitive linguistics*, year¹, issue2, Pp 139-158.

DOI: 10.22034/jisall.2025.497150.1032.



© The Author(s).

Publisher: University of Zabol

***Corresponding Author:** Obeydollah Koch Totazahi

Address: PhD student in Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran.

E-mail: totazahi054@gmail.com.



تحلیل ضرب‌المثل‌ها و کنایه‌ها در مقامات حریری بر مبنای زبان‌شناسی شناختی

محمد شیخ^۱، رضا رضایی^۲، عبیدالله کوچ توتازه‌ی*^۳

^۱ دانشیار، گروه زبان و ادبیات عرب، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

^۲ دانشیار، گروه زبان و ادبیات عرب، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

^۳ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عرب، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

اطلاعات مقاله چکیده

نوع مقاله: زبان‌شناسی شناختی یکی از گرایش‌های جدید علم روان‌شناسی است که ابزارها و روش‌های موثری برای تحلیل متون دارد یکی از آنها نظریه استعاره مفهومی است از آنجایی که کنایه‌ها و ضرب‌المثلها دارای مفاهیم انتزاعی هستند و بیان آنها نیازمند حوزه‌های مبدأ است، بررسی آنها در قالب نظریه استعاره مفهومی از اهمیت بالایی برخوردار است. پژوهش پیشرو، با روش تحلیلی - توصیفی به بررسی استعاره‌های مفهومی در ضرب‌المثل‌ها و کنایه‌های در مقامات حریری پرداخته است و یافته‌های آن نشان می‌دهد که حریری کنایه‌ها و ضرب‌المثلها را بر اساس حوزه‌های مختلف مبدأ مفهوم سازی کرده است. حوزه‌های مبدأ که در پژوهش پیشرو مورد بررسی واقع شدند عبارت‌اند از اعضای بدن انسان، حیوانات، ابزارهای جنگی، رنگ‌ها، لباس و غیره. از جمله حوزه‌های پرکاربردی هستند که مفاهیم و انتزاعات ذهنی به وسیله آنها مفهوم سازی شده است. در ضمن بعضی از کنایه‌ها علاوه بر استعاره مفهومی، دارای طرحواره حرکتی نیز هستند از آنجایی که منشأ بیشتر ضرب‌المثلها اشخاص هستند حوزه دیگری با عنوان نام‌های استعاری اشخاص تحلیل گردید بسامد این نوع ضرب‌المثلها در مقامات حریری بالاست و غالباً با افعال تفضیل ذکر شده‌اند.

کلمات کلیدی: ضرب‌المثل، کنایه، حریری، استعاره مفهومی، زبان‌شناسی شناختی.

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

دریافت:

۱۴۰۳/۰۹/۱۱

پذیرش:

۱۴۰۳/۱۱/۰۲

استناد: شیخ، م. رضایی، ر. کوچ توتازه‌ی، ع. (۱۴۰۳). تحلیل ضرب‌المثلها و کنایه‌ها در مقامات حریری بر مبنای زبان‌شناسی شناختی، دوره ۱، شماره ۲، صص ۱۳۹-۱۵۸.

DOI: 10.22034/jisall.2025.497150.1032.



حق مؤلف © نویسندگان.

ناشر: دانشگاه زابل

*- نشانی پست الکترونیکی (نویسنده مسئول): totazahi054@gmail.com

۱. مقدمه

زبان‌شناسی شناختی یکی از گرایش‌های جدید علم روان‌شناسی است که ابزارها و روش‌های موثری برای تحلیل متون دارد یکی از آنها نظریه استعاره مفهومی است همانطور که از نامش بر می‌آید بر خلاف استعاره سنتی که در لفظ معمولاً اتفاق می‌افتد، این استعاره در مفاهیم است که کاربردش در دو حوزه است: حوزه مبدا و حوزه مقصد. که ما مفاهیم ذهنی را، که همان حوزه مقصد است به وسیله محسوسات یعنی همان ابزارهای که در حوزه مبدا هستند بیان می‌کنیم. این نظریه‌ی استعاره مفهومی که از مباحث مورد مطالعه در حوزه زبان‌شناسی شناختی است، به بررسی نحوه ادراک و شناخت در ذهن انسان می‌پردازد. مطابق این نظریه، استعاره‌ها؛ نه تنها یک کارکرد زبانی در خدمت ادبیات و متن دارند، بلکه ابزاری اساسی برای درک امور انتزاعی و غیرملموس در ذهن بشر هستند و حوزه کار و نفوذ آنها نه در سطح واژگان بلکه در عمق معنا و مفاهیم می‌باشد. حوزه‌های تعریف شده در نظریه استعاره مفهومی و مصادیق آن از جهات بسیاری با زمینه‌های مفهومی و کاربردی ضرب المثلها و کنایه‌ها مشابهت‌هایی دارد؛ به نحوی که می‌توان ضرب المثل‌ها و کنایه‌ها را نیز نمونه‌های از استعاره‌های مفهومی دانست که با استفاده از حوزه‌های مبدأ گوناگون به انتقال معانی و مفاهیم متناسب با آنها می‌پردازند. از آنجایی که ضرب المثل‌ها و کنایه‌ها، عمومی‌ترین و پرکاربردترین بخش از ادبیات به شمار می‌آیند در این پژوهش ضمن بررسی استعاره‌های مفهومی، در خلال مباحث مطرح شده، انواع طرحواره‌ها نیز بررسی خواهد شد تا هر چه بیشتر موجبات و دریافت مبانی فکری را فراهم سازد.

۱-۱. پرسش‌های پژوهش

باتوجه به اهمیت موضوع، ضمن بررسی و تحلیل استعاره‌های مفهومی در مقامات حریری، تلاش بر این است که به سوالات زیر پاسخ داده شود:

- بررسی ضرب المثل‌ها و کنایه‌ها در مقامات حریری بر مبنای نظریه استعاره مفهومی از چه اهمیتی برخوردار می‌باشد؟

- نظریه استعاره مفهومی در مقامات حریری تا چه اندازه قابل انطباق می‌باشد؟

۱-۲. پیشینه پژوهش

بیشک تاکنون تحقیقات زیادی در زمینه زبان‌شناسی شناختی، استعاره مفهومی و ضرب المثلها و کنایه‌ها صورت گرفته است و از زوایای مختلفی موضوعاتی مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند. برخی از آنها عبارت‌اند از: «بررسی ریشه‌های تاریخی ضرب المثل‌های مقامات حریری، از علی رضا کاظمی و رضا سمیع زاده؛ چنانچه از عنوان بر می‌آید نویسنده ریشه‌های تاریخی ضرب المثلها و مناسبت‌های (مورد و مضرب) که این ضرب المثل‌ها در آنها کاربرد پیدا کردند، را در مقامات حریری بررسی کرده و حال آنکه مقاله حاضر از زاویه نظریه استعاره مفهومی به آن نگریسته است. مقاله دیگر با عنوان «بررسی

استعاره‌های مفهومی در ضرب المثل‌های فارسی» از نرجس مقیمی و محمد رضایی است نویسندگان با مروری گذرا بر مطالعات و نگرشهای تاریخی پیرامون استعاره‌ها و سنجیدن دو دیدگاه متفاوت درباره آنها، ضرب المثل‌های فارسی را با توجه به نظریه استعاره مفهومی بررسی نموده و حوزه‌های مبدأ پرکاربرد در دایره امثال فارسی را بررسی نموده‌اند. مقاله دیگر با عنوان «بررسی تطبیقی استعاره‌های مفهومی در کنایه‌های فارسی و مصر» از علی حاجی خانی و همکارانش در مجله پژوهشهای ادبیات تطبیقی در تابستان ۱۳۹۷ به چاپ رسیده است. نویسندگان در این مقاله با توجه به فرهنگ دو ملت استعاره‌های مفهومی را بر اساس حوزه‌های مبدأ بررسی کرده و داده‌های آن را در سه بخش: مطابقت واژگانی و مفهومی کامل، مطابقت نسبی واژگانی و مطابقت مفهومی کامل، عدم مطابقت واژگانی با مفهومی کامل بررسی و تطبیق داده‌اند. و مقاله‌ای با عنوان «بررسی طرحواره‌های تصویری در ضرب المثل‌های عامیانه موصلی» از علی اسودی و مهدی آب رون که در مجله ادب عربی دانشگاه تهران به چاپ رسیده است به بررسی نوع دیگر از انواع استعاره‌های مفهومی بنام طرحواره‌های در ضرب المثل‌های عامیانه موصلی پرداخته‌اند. نویسندگان به بررسی هشت طرحواره که توسط لیکاف و جانسون مطرح شده، پرداخته‌اند پس از بحث و بررسی به این نتیجه رسیده‌اند پربسامدترین طرحواره اتحاد با قید جزء و کل است، که این نشانگر توجه موصلی به جزئیات امور است. چنانکه از پژوهش‌های مذکور بر می‌آید تحقیقات زیادی در زمینه استعاره مفهومی و طرحواره‌های تصویری که در حیطه زبان‌شناسی شناختی قرار می‌گیرند و هم‌منظور ضرب المثل‌ها و کنایه انجام گرفته است با این وجود عنوانی که به تحلیل ضرب المثل و کنایه‌های مقامات حریری در زبان‌شناسی شناختی (استعاره مفهومی) بپردازد، یافت نشد بنابراین مقاله حاضر در نظر دارد تا از رهگذر استعاره مفهومی که یک نظریه جدید و کاربردی است، ضرب المثل‌ها و کنایه‌های مقامات را مفهوم‌سازی کرده و کاربرد آن‌ها را در حوزه‌های مختلف مبدأ بررسی کند. در ضمن در ذیل بعضی از شاهد مثال‌ها به جهت تفهیم شدن و ظرفیت بحث نوع دیگر استعاره مفهومی (طرحواره حرکتی) نیز بررسی شده است.

۲- بحث و بررسی

۲-۱. مبانی کلی نظریه پژوهش

در سال ۱۹۸۰م دو زبان‌شناس و فیلسوف مشهور به نام‌های جورج لیکاف و مارک جانسون در کتابی به نام «استعاره‌های که با آن زندگی می‌کنیم» نظریه جدیدی از شاخه زبان‌شناسی شناختی را ارائه دادند. لیکاف و جانسون مدعی شدند که مفاهیم حاکم بر اندیشه ما فقط شامل موضوعات فکری نمی‌شود، بلکه اعمال روزمره ما و حتی پیش پا افتاده‌ترین جزئیات آن را نیز دربرمی‌گیرد. ساختار ادراکات، نحوه مرادده ما در جهان، و چگونگی تعامل ما با سایر افراد را همین مفاهیم ذهنی شکل می‌دهد (هاشمی: ۱۳۸۹، ۱۲۳). از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی، استعاره عبارت است از درک یک حوزه مفهومی در قالب حوزه مفهومی

دیگر است. زندگی به مثابه سفر، بحث و جدل به مثابه جنگ، عشق به مثابه سفر، نظریه به مثابه ساختمان و ... همه نمونه‌های هستند که در فکر و زبان ما جاری اند یک راه ساده و کوتاه در توصیف چنین دیدگاهی به استعاره می‌تواند چنین باشد: حوزه مفهومی الف همان حوزه مفهومی ب است که به آن استعاره مفهومی گفته می‌شود (کوچش: ۱۳۹۳، ۲۶).

ویژگی‌های که حوزه مبدأ باید دارا باشد عبارت‌اند از:

- معانی عینی‌تر باشد (هر آنچه را که می‌توان به سادگی تصور کرد، دید، شنید، لمس کرد، بویید و چشید).

- معانی مرتبط با حرکات فیزیکی باشند

- معانی واضح‌تر باشند (یعنی واضح در مقابل مبهم)

- معانی این حوزه به لحاظ زمانی قدیمی‌تر از حوزه مقصد باشند. (همان، ۱۶)

عبارات زیادی است که حاوی معانی استعاری هستند بدون آنکه گوینده متوجه آن باشد. بنابراین ما برای درک کردن نیازمند دو حوزه هستیم حوزه مفهومی که می‌خواهیم درک کنیم حوزه مقصد و حوزه مفهومی دیگر را که به این منظور از آن بهره می‌گیریم حوزه مبدأ نامیده می‌شود. لیکاف و جانسون با دلایل و شواهد نگاه سنتی به استعاره آن را به چالش کشیدند اساس نظریات لیکاف و جانسون در مورد استعاره مفهومی بر این مبنی استوار است: - استعاره‌های زبانی نمودی عینی و سطحی از استعاره‌های مفهومی هستند - این استعاره‌ها برگرفته از تجربه‌های روزانه بشر است. - استعاره‌ها تنها راه درک و دریافت اندیشه‌های انتزاعی و ناملموس هستند (بهنام: ۱۳۸، ۲). البته انواع دیگری از استعاره مفهومی به نام تصویری - طرحواره‌های وجود دارند. طرحواره‌ها حاصل تجربیات انسانها با جهان خارج هستند که آنها را به زبان خود انتقال می‌دهند. موضوع طرحواره‌ها با تجربه‌ی جسمی همراه شده و جسمانی شدن تأثیر مستقیمی بر ساختار مفهومی بشر دارد؛ در واقع طرحواره‌های دارای ساختار معنادار و جسمی شده‌ای هستند که حاصل حرکات جسم انسان در فضای سه بعدی، تعاملات ادراکی و نحوه‌ی برخورد با اجسام هستند (اسودی: ۱۴۰۱، ۲۶۲). یکی از انواع طرحواره‌ها، طرحواره حرکتی است؛ در این نوع طرحواره، ذهن از طریق تجربه‌ی حرکت انسان یا سایر اشیاء، برای تحرک مفاهیم انتزاعی یا اموری که قابلیت جابجایی ندارند، فضایی را خلق می‌کند که این طرحواره منعکس کننده حرکت از حوزه مبدأ به مقصد است (شکیبایی فر: ۱۴۰۱، ۳۰۴). در این نوع استعاره‌ها شکلهای مختلف تغییر به مثابه حرکتی که به تغییر مکان منجر می‌شود مفهوم سازی می‌گردد و هدف از تغییر، مکانهای مورد نظرند که دست‌یابی به یک هدف رسیدن، به مکان مورد نظر است (لیکاف: ۱۳۸۳، ۲۴۳)

۲-۱. کنایه و اهمیت آن در زبان‌شناسی شناختی

کنایه یکی از انواع فنون بلاغی است که گاهی متکلم برای اهداف نهفته‌ای که در آن است الفظی را بکار می‌گیرد که در معنی حقیقی خود نیستند بلکه از طریق قرائن موجود در کلام می‌توان به معانی آنها پی

برد. چنانچه عبدالقاهر جرجانی اینگونه می‌گوید: الكناية أن يرى المتكلم إثبات معنى من المعاني فلا يذكره باللفظ الموضوع في اللغة و لكن يجيء إلى المعنى هو تاليه و ردفه في الوجود فيوميء به اليه و يجعله دليلا عليه (فاضلی: ۱۳۶۵، ۳۴۲). در کتب بلاغی به انواع مختلفی تقسیم شده است. علماء بلاغت قدیم برای کنایه حوزه بسیار وسیعی قائل هستند بگونه‌ای که هر نوع عدم تصریح را مقوله کنایی می‌دانند حتی ضمیر را. اما از نگاه زبان‌شناسی شناختی، مفاهیم انتزاعی و نامحسوسی هستند نهفته در حوزه مقصد که تفهیم آنها از طریق حوزه فزیک‌تری و تجربه‌ای یعنی مبدا امکان پذیر است. از آنجا که استعاره‌های مفهومی با انتقال از یک حوزه مفهومی عینی به یک حوزه مفهومی انتزاعی درک می‌شوند و بشر این مفهوم عینی را از طریق روابط تجربی خود به دست می‌آورد، کنایات، که بیشتر از هر گونه زبانی دیگری از این ویژگی‌های عینی برخوردارند، اهمیت بسیاری در علم زبان‌شناسی شناختی دارند (حاجی خانی و همکاران: ۱۳۹۷، ۱۵۰). بنابراین کنایه‌ها از طریق تناظرها و نگاشته‌ها قابل بررسی و شناسایی هستند.

۲-۲-۲. ضرب المثل و اهمیت آن در زبان‌شناسی شناختی

ضرب المثله‌ها نیز همچون استعاره‌های مفهومی با برقراری ارتباطی قراردادی بین حوزه‌های مبدأ و مقصد به انسان کمک می‌کنند تا با استفاده از برخی واژگان و عبارات، مفاهیم دیگر را درک نماید؛ زیرا بین معنای امثال در کلیت خود و معنای کلمات تشکیل دهنده آنها ارتباطی وجود ندارد (رضایی: ۱۳۹۴، ۱۰۳). ابو هلال عسکری می‌گوید «نکته شگفت آور ضرب المثل در زبان عربی این است که با وجود لفظ مختصرش به اندازه یک کلام دارای اطناب، معنادار است. افزون بر این، به کلام جلوه خاصی بخشیده و با الفاظ اندک؛ اما پر محتوایش به راحتی در ذهن حک می‌شود» (العسکری: ۱۹۸۸، ۵/۱). در استعاره مفهومی با دو حوزه سر و کار داریم: حوزه مبدأ که ضرب المثل به آن ارجاع می‌یابد و ادراک ما از آن به طور خودکار، دانش حوزه مقصد را فعال می‌کند و در این حوزه نیز ضرب المثل در بافت به کار برده می‌شود (آرمان و همکاران: ۱۳۸، ۲۱۳).

۲-۳-۲. تحلیل کنایه‌ها و ضرب المثله‌ها بر مبنای حوزه‌های مبدأ

باتوجه به گستردگی بحث و فراوانی حوزه‌های مبدا در اینجا محدود به چند حوزه پر کاربرد مبدا که بیشترین بسامد را در مقامات حریری دارند، کنایه‌ها و ضرب المثله‌ها تحلیل می‌شوند.

۲-۳-۱. اعضای بدن

بدن انسان یک حوزه مبدأ ایده آل است، چرا که برای ما کاملا آشنا است و آن را خوب می‌شناسیم. البته این بدان معنا نیست که ما همه جنبه‌های این حوزه در درک استعاری مقصدهای انتزاعی بهره می‌گیریم اندامهای مختلف بدن مانند سر، صورت، پاهای، دستها، کمر، چشم و .. از انواع بخشهای این حوزه هستند که به طور خاص در درک استعاری نقش آفرینی می‌کنند (کوچش: ۱۳۳، ۳۶). بنابراین بخاطر اینکه دسترسی

انسانها به بدن خود بی واسطه و بدن ابزاری اصلی کنش انسان در طبیعت است در بسیاری از استعاره‌های مفهومی انسانها برای درک امور انتزاعی از مفاهیم به بدن استفاده کرده‌اند (هوشنگی: ۱۶، ۱۳۸۸).

فَلَمْ يَكُنْ أَلَّا كَلِمَاحِ الْبَصْرِ وَأَقْرَبَ (حریری، ۲۵) کنایه از خیلی زود بودن و سریع السیر است. در کنایه آنچه از مفاهیم ذهنی سریع و زود هنگامی که ذهن در هنگام پردازش و در نتیجه بیان آن، اقدام می‌کند مفاهیم متافیزیکی هستند که ابزارهای محسوس و فیزیکی تر همانند لمح بصر یا به عبارتی چشم بر هم زدن و بهره‌گیری از اعضای بدن انسان حالت شدت و سریع را هستند کرده است. بنابراین این کنایه دارای دو سازه مربوط به اعضای بدن را با خود دارد یکی لمح (اشاره با گوشه چشم) و دیگری بصر (چشم) است در این عبارت متکلم نمی‌خواهد به انسان و اعضای بدن آن فکر کند بلکه آنچه مدنظرش است سرعت عمل در یک کاری است. بنابراین برای مفهوم سازی حالت کنشها از شیوه حرکت می‌توان استفاده کرد. أَوْ يُعْنِي عَنكَ نَدْمُكَ إِذَا زَلَّتْ قَدَمُكَ (حریری، ۱۶) لغزیدن قدم کنایه از ارتکاب اشتباه و خطا شدن است. هنگامی که اشتباه خواسته یا ناخواسته از آدمی سربزند چه بسا اضطراب به او دست داده و علاوه بر سرزنش خود در وجود خویش احساس پشیمانی و ندامت کرده و آنچه از حالت‌های انتزاعی که او را فراگرفته از مجرای محسوسات قابل تفهیم و بیان است بنابراین نگاشتی که در این کنایه رخ داده بر حالت فیزیکی بدن انسان یعنی لغزیدن قدمها استوار است البته نگاشت دیگر نوع حرکتی هم وجود دارد که یکی از بنیادترین تجربه‌های بشری است این حرکت می‌تواند تغییر موقعیت شود که در این صورت منجر به جهت می‌شود و می‌تواند ایستا باشد که در این کنایه (لغزیدن قدم) به شکل حرکت ایستا کاربرد پیدا کرده است. ثُمَّ وَلَّى يُجْرُ عَظْفِيهِ وَ يَخْطُرُ بَيْدِيهِ (حریری، ۱۶۰) کنایه از تکبر و خودبرتربینی است. تکبر مفهوم انتزاعی دارد که تفهیم آن با اعضای بدن یا تشبیه معقول به محسوب امکان پذیر است. برخلاف استعاره سنتی که فقط در زبان و الفاظ کاربرد دارد اما بررسی استعاره مفهومی بر اعمال و رفتار انسانها نیز تمرکز دارد. طرحواره مطرح در این کنایه از نوع حرکتی است زیرا مسیر حرکت از بالا به پایین به مفهوم تکبر عینیت بخشیده است برای اینکه تکبر یکی از رذایلی است که باعث سقوط اخلاقی می‌شود پس مسیر حرکت از بالا به پایین است. بنابراین ضمن اینکه حالت و حرکات فیزیکی انسان حوزه مبدأ به مفهوم تکبر عینیت بخشیده است پدیده ملموسی حرکت از بالا به پایین نیز تکبر را مفهوم سازی کرده است چون تکبر یک خصلت منفی است پس جهت حرکت از بالا به پایین است که همان حالت منفی را نشان می‌دهد. الْمُشَارُّ إِلَيْهِ بِالْبَنَانِ (حریری، ۱۶۲) کنایه از شهرت است. گاهی آدمها با کسب ثروت و علم و دانش و یا جایگاه‌های سیاسی و اجتماعی و... صاحب وجهه برتری می‌شوند و این برتری آنها را در مقابل افرادی که از این ویژگی برخوردار نیستند، نمایان می‌کند بنابراین آنچه که ذهن برای شهرت فردی بیان می‌کند نگاشتش یا به عبارتی نامحسوس را محسوس کردن با اعضای بدن که حالت فیزیکی

دارد امکان پذیر می‌کند. بالمشیبِ انذاؤک (حریری، ۱۶) پیری هشدار دهنده است کنایه از پایان عمر و نزدیک شدن به مرگ است. در این کنایه پایان زندگی و فرارسیدن مرگ به وسیله حالت های بدن که سفیدی مو و ... است مفهوم سازی شده است در این کنایه نیز طرحواره حرکتی رخ داده است بدین معنی که حرکت بین دو مبدأ؛ ایام طفولیت به صورت عمودی به سمت جوانی بوده است پس از تحمل سختی و دشواری‌های روزگار اینک پیری او را دریافته و حرکت نزولی و به سمت مرگ، به عبارتی از نقطه آغازین به نقطه پایانی رسیده است بنابراین مفهومی که ذهن تداعی کرده است به شکل یک پدیده محسوس، حرکت و مسیر پریپیچ و خم ترسیم شده است.

تَعْصُفُ بَنَانِ النَّادِمِ (حریری، ۲۶). کنایه از ندامت و پشیمانی است بر اساس این کنایه مخاطب از حوزه مبدأ که همان گاز گرفتن انگشتان است به حوزه مقصد یعنی ندامت و پشیمانی می‌رسد. وَلَا تَبَصَّتْ لِي مِنْهُ فَرِيصَةٌ (حریری، ۱۹)؛ کنایه از عدم ترس است. مجموعه تناظرهای این کنایه برگرفته از ترس و اضطراب درونی است که به کمک حالت فیزیکی بدن و لرزیدن شانه‌ها مفهوم سازی شده است. همانطور که گفته شد کاربرد حوزه‌های مبدأ بسته به فرهنگ هر ملت دارد بنابراین در فرهنگ عرب و چه بسا ایرانیان لرزیدن پشت و شانه‌ها حکایت از اضطراب و خوف درونی دارد که از این جهت برای این حوزه کاربرد پیدا کرده است. رَقَّ قَلْبُ الْوَالِي (حریری، ۲۲۰). نرمی دل کنایه از مهربانی است. حریری در این کنایه برای درک مفهوم مهربانی از حوزه مبدأ نرمی دل که از جوارح انسان است، بهره برده است و عینیت بخشیده است.

۲-۳-۲. حیوانات

قرنها انسان در امور مختلف زندگی خود، همانند حمل و نقل، کشاورزی، تولید منابع غذایی، جنگها، نگهداری از حریم خود، بافت لباس و ابزارهایی نظیر فرش، چادر و ... از حیوانات و اجزای بدن آنها استفاده کرده است؛ به همین دلیل ارتباط نزدیک و عمیقی بین انسان و حیوان وجود دارد و در بسیاری موارد حیوانات ابزاری برای ایجاد شناخت در بشر قرار گرفته اند (رضایی: ۱۳۹۲، ۱۸). حوزه حیوانات، حوزه بسیار پرکاربردی است؛ خصوصاً انسانها که اغلب در قالب ویژگیهای (مفروض) حیوانات درک می‌شوند از همین روست که ما حیوانات، گاو، سگ، گاو و ... را برای انسان به کار می‌بریم اما استفاده استعاری از اصطلاحات حوزه حیوانات به انسانها محدود نمی‌شود بلکه در موقعیت های مختلف کاربرد دارند... بنابراین حیوانات در مفهوم سازی استعاری حوزه های مبدأ بسیار به کار می‌روند (کوچش: ۱۳۳، ۳۵). و اسْتَنْزَلَتِ الْعُصْمَ مِنَ الْمَعَاقِلِ (حریری، ۱۶۵) این جمله نیز کنایه از صفت نغمه خوانی و خوش آوازی است یعنی زمانی که شروع به آواز خواندن می‌کند چنان نغمه‌های دلنوازی از خود سر می‌دهد که در اثر آن بز وحشی جذب شده و از کوه‌ها پایین کشانده می‌شود. در این کنایه شدت مضمون جذب کننده آواز، به حالت پایین کشاندن حیوان مفهوم سازی شده است. در این استعاره مفهومی طرحواره جذب هم رخ

داده است همانطور که نغمه او جذب می‌کند پایین آمدن حیوان (بز وحشی) از کوه نیز حالت جذب شدن دارد. یک ساختار رایج طرحواره‌ای برای جذب وجود دارد که میان این تجربه‌ها مشترک است. وقتی ما از لحاظ فیزیکی احساس می‌کنیم فرد دیگری را به سوی خود جذب می‌کنیم نیز همین ساختار وجود دارد. این نیرو به معنای استاندارد، گرانشی (جاذبه ای) نیست؛ بلکه نوعی گرایش به سوی جسم دیگر است. این نیرو به معنای دقیق کلمه، در همین طرحواره زیر بنایی جذب شریک است (پهلوان نژاد: ۵۵، ۱۴۰۳). مَثَلُ: الْبَاحِثِ عَنِ حَتْفِهِ بِظَلْفِهِ (حریری، ۱۲). مضمون این ضرب المثل در فارسی؛ تیشه به ریشه خود زدن است. قرآن نیز در این مورد می‌فرماید: وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ (البقرة/۱۹۵). در مورد این ضرب المثل آورده‌اند که فردی شکاری گرفت اما کاردی نداشت که آن را ذبح کند شکار در زیر دست شکارچی دست و پا می‌زند تا اینکه در اثر آن از زیر خاک کاردی پیدا شد پس سرش به وسیله آن بریده شد. بنابراین برای بیان این مفاهیم که گاهی انسان با دست خویش خودش را به هلاکت می‌اندازد مفهوم سازی شده به حالت آن حیوانی که خود باعث مرگش شد مَثَلُ: أَحْيَرُ مِنْ ضَبِّ (حریری، ۱۳۵). ضرب المثل است برای کسی که در پریشانی بسر می‌برد. اصل این مَثَل بدین قرار است، زمانی که سوسمار خانه زیرزمین درست می‌کند در دهانه آن سنگ کوچکی قرار می‌دهد که در هنگام بازگشت دچار اشتباه نشود اما اگر کسی آن را بردارد راه را گم کرده و سرگردان می‌شود. مفاهیم انتزاعی که دربرگیرنده حالات اضطراب و سردرگمی است به حالت عینی سوسمار مفهوم سازی شده است. أَصْدُقَانِي سِنَّ بَكَرِكَمَا (حریری، ۷۷). بکر به شتر جوانی گفته می‌شود که هنوز به سن جفت گیری نرسیده است. اصل ضرب المثل از این قرار است که شخصی شبانگاه شترش را فروخت مشتری از سن شتر پرسید او گفت هنوز بکر است چون روز مشتری شترش را نگاه کرد از علائم آن فهمید که راست گفته و شتر جوان است. آنچه از راستگویی و صداقت در رفتار و گفتار از مفاهیم ذهنی‌ای هستند که عینیت بخشیدن آنها نیازمند حوزه مبدا است در این ضرب المثل حریری صداقت و راستگویی را به صورت ساختاری به آنچه به عینیت و تجربه در ضرب المثل شتر جوان است، مفهوم سازی کرده است. یعنی مفاهیم حوزه مبدا (شتر بکر که در یک مناسبتی بکار رفته است) نگاشت می‌کند. در این مثالها استعاره‌های مفهومی که با مبدأ حیوانات قابل شناخت و مفهوم سازی است شرح آنها، بدین صورت است که ویژگی‌های انسانی به حیوانات نسبت داده می‌شود و آن ویژگی مجدد به او بکار می‌رود یعنی ابتدا به حیوانات شخصیت بخشیده می‌شود و سپس ویژگی‌های حیوانی مربوط به انسان برای درک رفتار انسانها بکار می‌رود اما این تنها رفتار نیست که با بیان استعاری در قالب رفتارهای حیوانی درک می‌شود بلکه اغلب خود افراد نوعی حیوان توصیف می‌شود (کوچش: ۱۳۹۳، ۲۰۹).

جنگ در طول تاریخ یکی از عواملی بوده که بشر همواره با آن دست و پنجه نرم کرده و از نزدیک و دور نظاره‌گر آن بوده است این پدیده ضمن اینکه تبعات منفی دارد اما چه بسا ملت‌ها از آن نفع برده‌اند و سبب اتحاد آنها شده است و به ترتیب ابزارهای آن برای بشر به صورت عینی و ملموس تجربه شده است و به تدریج به عنوان حوزه‌های مبدأ در جهت تفهیم انتزاعات ذهنی ملتها باتوجه به فرهنگ و آداب خود از آنها بهره برده‌اند. ثُمَّ ثَابَ الْفَهْمُ بَعْدَ أَنْ صَرَدَ السَّهْمُ (حریری، ۱۶۷) تیر از کمان جستن کنایه از؛ کار از کار گذاشتن است. آنچه در حوزه مبدأ برای ما عینی و ملموس است ابزارهای جنگی همانند تیر، کمان و... است که جزو تجربه‌های عینی بشر است که می‌توان برخی از انتزاعات ذهنی را به وسیله آنها مفهوم سازی کرد در این کنایه حریری کار از کار گذاشتن را به تیر از کمان جستن مانند کرده است. لَا تُضِحِّنَا عَنْ ظَلْكَ السَّابِغِ (حریری، ۸). کنایه از لطف دائمی است. واژه سابغ از نظر لغوی به معنی عریض و طویل بودن است (آذنوش: ۱۳۹۱، ۴۲۳). و در اصطلاح به لباس زره ای بلندی گفته می‌شود که تمام بدن را پوشش می‌دهد گویا لطف و رحمت دائمی خداوند نسبت به بندگانش همان لباس زره ای طویلی است که دائماً انسان را در بر می‌گیرد و از هجمات هر نوع تیر بلا و مصیبت حفاظت می‌کند بنابراین مفهوم سازی و عنیت بخشیدن رحمت و لطف خداوند که غیر ملموس و تجربی است، با ظَلْكَ السَّابِغِ امکان پذیرتر شده است. رَمَى عَنِ قَوْسٍ عَقِيدَتَنَا (حریری، ۴۵). اینکه پرتاب شدن از کمان عقیده کنایه از اینکه مطابق میل ما سخن گفت. در این کنایه نیز ابزارهای جنگی مانند تیر و کمان و حالت پرتاب کردن به عنوان حوزه مبدأ جهت مفهوم سازی سخن مطابق میل کاربرد پیدا کرده است مَثَلٌ: قُرْبٌ رَمِيَةٍ مِنْ غَيْرِ رَامٍ (حریری، ۱۳۷). ضرب المثل برای کسی که گاهی ناخواسته کارش روبراه می‌شود. در این ضرب المثل بدون اراده کار وفق مراد انجام شدن به مثابه تیری است که ناخواسته از کمان پرتاب می‌شود و به هدف می‌خورد بنابراین آنچه از انتزاعات ذهنی در مورد اینکه گاهی کار بدون خواسته انجام می‌شود، را مفهوم سازی و مانند کرده به تیر بدون اراده به هدف خوردن. بنابراین شرح مطالب نشانگر آن است که این استعاره سر و کار مفهومی دارند نه لفظی.

۴-۳-۲. لباس

لباسها و انواع آن نیز از اشیاء عینی و ملموس است و از آنجایی که بشر به صورت مستقیم با آن ارتباط دارد و بر او ملموس و محسوس است گاهی برای تفهیم مفاهیم انتزاعی از آن بهره جسته است. حریری در مورد رازداری فردی می‌گوید: أَنَّهُ لَا يَهْتِكُ الْأَسْتَارَ وَ لَوْ عُوِّضَ لِأَنْ يَلِجَ النَّارَ (حریری، ۱۶۵) و جای دیگر می‌گوید: قَبْلَ أَنْ يَنْهَيْتَكُ السُّرَّ (حریری، ۱۳۹). در این عبارتهای حریری؛ ندریدن و دریدن پرده‌ها کنایه از عدم افشا و افشا کردن اسرار است گویا عدم افشای اسرار همانند ندریدن پرده است همانطوری که پرده باعث مخفی شدن مستور می‌شود و پاره شدن آن باعث برملا شدن است نگاشت این استعاره بر مبنای حوزه مبدأ لباس هستند شده است.

وإن رَقَصَتْ أَمَأَلَتْ العِمَانَمَ عن الروؤس (حریری، ۱۶۶) کنایه از قدبلندی است. آنچه از استعاره مفهومی که در این کنایه صورت پذیرفته است ویژگی و صفت به حیرت آورنده بلندی قد است که مفهوم سازی آن به وسیله حالت‌های عمامه از جمله متمایل و کج شدن از سرها در اثر نگاه کردن به بلاست چنانچه حرکت به سمت بالا رفتن در ذهن تداعی شود یعنی حرکت بین مبدأ و مقصد به سمت صعودی با استعاره مفهومی نوع طرحواره حرکت عمودی مواجه هستیم. به عبارتی، حرکت شیء از محیطی فراتر از مقصد آغاز شده، به صورت سقوطی ادامه می‌یابد و سرانجام بر روی سطح مرزنا متوقف می‌شود. و نیطت بی العِمَانَم (حریری، ۲۰) کنایه از بزرگ شدن، یعنی صاحب عمامه شده و از حالت کودکی بیرون آمده است. رشد کردن از امور انتزاعی است آنچه آن را عینیت می‌بخشد نگاشت آن به یک شیء ملموس است در این کنایه نوع استعاره حرکتی نیز نمود پیدا کرده است یعنی مراحل رشد را به یک پدیده‌ای دارای حرکت تدریجی مفهوم سازی کرده است. ... قَبْلَ نَزْعِ مَلْبُوسِهِ (حریری، مقامه ۳۱) پیش از گذن لباس احرام، باتوجه به سیر کلام، کنایه از اعمال حج است. تصویرسازی که در این کنایه بر مبنای حوزه مبدأ انجام شده است به اتمام رساندن مناسک و اعمال حج مفهوم سازی شده به حالت گذن لباس احرام پس از اتمام آن. بنابراین تجسم اعمال که امر انتزاعی و معنوی است عینیتش به یک شیء ملموس و همان گذن لباس احرام، امکان پذیر شده است. سَمَرْتُ تَسْمِيرَ مَنْ لَا يَأْلُو جُهْدًا (حریری، ۲۵۱). سَمَرْتُ ثِيَابَهُ اَزْدَفَرُ جَرَابَهُ (حریری، ۱۴۸). سَمَرْتُ الذَّيْلَ وَبَادِرِ السَّيْلِ (حریری، ۱۴۱). در همه این عبارتها؛ آستین، جامه، انبان و شلوار بالا زدن کنایه از آماده شدن است.

۲-۳-۵. نامهای استعاری اشخاص

منظور از نامهای استعاری اشخاص، ضرب المثل‌های است که بنام بعضی از اشخاص در برهه‌ای از زمان اتفاق افتاده و رواج پیدا کرده اند بسامد این نوع ضرب المثلها در مقامات حریری بالاست و غالباً اکثر آنها با افعال تفضیل ذکر شده‌اند. گاهی نظامهای پیچیده انتزاعی در استعاره‌ها به مثابه اشخاص مفهوم سازی می‌شوند البته این کل شخص نیست که به عنوان حوزه مبدأ بکار می‌رود بلکه حالت‌های رفتاری یا بدن اوست که حوزه مبدأ است (کوچش: ۱۳۹۳، ۲۱۵).

مواعید عرقوب (حریری، ۴۳). هَلْ ضَاهَتْ عِدَّتُنَا عِدَّةَ عَرْقُوبٍ (حریری، ۱۳۰). عرقوب کسی بوده که به خلف وعده ضرب المثل شده است همان ضرب المثل‌های فارسی؛ وعده سرخرمن دادن، بزک نمیر که بهار می‌آد کنیزه با خیار می‌آد (نجاریان: ۱۳۹۲، ۲۱۶). شرح این هر دو ضرب المثل برای کسی کاربرد دارد که عادت به حرف مفت زدن دارد و در عمل کاری انجام نمی‌دهد بنابراین عدم انجام فعلی در موقع آن مفهوم سازی شده است به حالت تجربی شخصی بنام عرقوب که زمانی در خُلف وعده و عدم انجام کار به موقع مشهور شده است.

تناظرهای این طرحواره، تشریح استعاری ضرب المثل را به آن صورت که در عملکرد مردی با این اوصاف بکار رفته، تعرف می‌کند. يُنْسِي سَحْبَانَ كَلَّمَا أَبَانَ (حریری، ۱۵۴). سحبان شخص خطیب و فصیحی بوده که در زمان معاویه می‌زیسته و به فصاحت و خطابت مشهور شده بود. شرح این ضرب المثل برای کسی پیدا می‌کند که در هنگام سخن گفتن مهارت فصاحت و بلاغت را از خود نشان دهد. به عبارتی؛ در هنگام عمل خوب برتری خود را به نمایش گذارد نگاشت شده به مانند فردی بنام سحبان که در زمان خود در سخن گفتن و فصاحت شهرت داشته است. بنابراین حریری تعبیر تمثیلی برتری و شهره بودن در یک مهارتی را محسوس کرده و به آن عینیت بخشیده است. بِأَعْطَرَ مَنْشَمٍ (حریری، ۴۶۱). این ضرب المثل در شومی و تیره بختی است. بنابراین حالت شومی و نحس بودن در یک امری عینیت یافته به وسیله ضرب المثل زنی بنام منشم. فَقَد تَجَوَّعُ الْحُرَّةُ وَلَا تَأْكُلُ بِثَدْيِهَا (حریری، ۱۳۸) این ضرب المثل برای کسی کاربرد دارد که بخاطر ارجمندی و ریشه و تبارش در هنگامی لغزش، پستی‌ها را بر مصیبت‌ها ترجیح نمی‌دهد. بنابراین عدم ترجیح پستی‌ها بر ارجمندی و گرانقدری نفس در هنگام مصیبت عینیت داده شده به حالت زنی که در یک زمانی بخاطر فقر و گرسنگی اجیر نمی‌شد (به بچه ای شیر بدهد و مزد دریافت کند) و کرامت نفسش را حفظ می‌کرد. مَنْ ضَيَّعَ اللَّبْنَ فِي الصَّيْفِ (حریری، ۴۳۱). اصل مثل از این قرار است که زنی به عقد پیرمردی ثروتمندی در آمد از او خوشش نیاند و طلاق گرفت. و با جوان خوش سیمای فقیری ازدواج کرد در قحط سالی پیش پیرمرد شوهر قبلی رفت از او درخواست شیر حیوان کرد پیرمرد گفت در تابستان شیر را ضایع کردی (الهاشمی: ۱۹۹۹، ۲۷۳). این مثل برای کسی کاربرد دارد که در زمانی که امکان به دست آوردن یک کاری فراهم است، اقدام نکند و در زمانی که امکانش نیست اقدام کند مفهوم سازی شده به واقع آن زنی که این امر را در یک زمانی عیناً تجربه کرده است. نمونه‌های فراوانی از این نوع ضرب المثلها یافت می‌شود که بنیان استعاری دارند و هر کدام از این نوع ضرب المثلها ساختاری به دست می‌دهند که نمونه‌های زیادی را پوشش می‌دهند. منشأ همه این ضرب المثلها، اتفاقی است که توسط یک فردی رخ داده است سپس بنام آن شخص به صورت استعاری رایج شده است نگاشت آنها در حوزه مبدأ حالت آن فرد است که عیناً این مفهوم استعاره از او سرزده است. همانطور که ذکر شد یکی از مهم ترین ویژگی‌های حوزه مبدأ این است که به لحاظ زمانی قدیمی‌تر از حوزه مقصد باشد. بنابراین می‌بینیم که انطباق مفاهیم حوزه مقصد بدین جهت امکان پذیر هستند که حوزه مبدأ (مورد و مضرب ضرب المثلها) در یک زمان دورتر تجربه شده‌اند.

۲-۳-۶. رنگها

انسان به صورت فطری از رنگها تأثیر می‌پذیرد؛ هر آنچه بشر را در خود احاطه کرده است، رنگ دارد و این رنگها بر ذهن و اثر پذیری او از محیط پیرامون مؤثر واقع می‌شوند (رضایی: ۱۳۹۴، ۲۱۲). حریری می‌گوید: رَنَى لِي الْعَدُوُّ الْأَرْزَقُ (حریری، ۱۱۸) در اصل این مثل، گفته شده است که رومی‌ها و دیلمی‌ها چشم

آبی بودند و با عربها جنگهای زیادی داشتند لذا دشمن کینه توز را به آنها مَثَل می‌زدند بنابراین کینه توزی و عداوت از مفاهیم انتزاعی و ذهنی، به عبارتی ناملموسی هستند که ذهن انسان برای بیان آن در عالم واقع نیاز به مفاهیم حوزه مبدأ که فیزیکی تر و عینی تر هستند، دارد تا از رهگذر آن بیان تناظرها بین دو حوزه رخ دهد. فَمُدَّ اغْبَرَّ الْعَيْشُ الْأَخْضَرُ (همان). اینکه زندگی سرسبز روی به تیرگی نهاده، کنایه از عدم رفاه و آسودگی است. الْعَيْشُ الْأَخْضَرُ یعنی زندگی توأم با رفاه و خوشی. ارتباطی که بین دو مبدا برقرار است همانطور که سرسبزی باعث شادابی و نشاط می‌شود، زندگی که در آن رفاه و آرامش باشد نشاط و شادابی دارد. بنابراین این مفهوم ذهنی به وسیله رنگ سبز که با آن ارتباط نزدیک دارد مفهوم سازی شده است. اِرْوَرَّ الْمَحْبُوبُ الْأَصْفَرُ (همان). رویگردانی محبوب زردرنگ کنایه از دست دادن شیء نفیس (طلا) است. گرانبها بودن مفهوم سازی شده با شیء زرد رنگ که همان طلا است. اِسْوَدَّ يَوْمِي الْأَبْيَضُ (همان). از میان رنگها سیاهی نماد بدبختی و شومی است. مثلا در محاوره های روزمره گفته می‌شود فلانی دروغ گفت و رویش را سیاه کرد. رنگ سفید نماد خوبی است. روز سفیدم سیاه شد کنایه از تغییر حالت خوبی و خوشی به بدبختی است. بنابراین خوشبختی و بدبختی در قالب رنگهای سفید و سیاه مفهوم سازی کرده است. اِبْيَضَ فَوْدِي الْأَسْوَدُ (همان). سفید شدن موهای سیاه کنایه از پیری است. که دو صفت حوزه انتزاعی را به وسیله حوزه رنگها مفهوم سازی کرده است فَحَبَّذَا الْمَوْتُ الْأَحْمَرُ (همان) کنایه از مرگ ناگهانی است. مرگی که به وسیله شمشیرها اتفاق می‌افتد. حوزه مقصد مرگ و حوزه مبدا رنگ قرمز است که باعث خلق استعاره مفهومی شده است. ارتباط این دو حوزه از این جهت است که رنگ خون قرمز است و مرگ توسط شمشیر، ریختن خون است بنابراین در این عبارات حریری، مفاهیم مختلف انتزاعی، چون کینه توزی، رفاه، نفیس، بدبختی، خوبی، پیری، جوانی و مرگ ناگهانی بر مبنای شناختی از حوزه رنگها قابل درک هستند.

نتیجه

بر اساس یافته‌های پژوهش، نتایج ذیل حاصل گردیده است:

ضرب المثله‌ها و کنایه‌ها بر خواسته از بطن زندگی جامعه است و با فرهنگ هر ملتی گره خورده است درک مفاهیم آنها نیازمند حوزه‌های فیزیکی تر و تجربه‌ای یعنی حوزه مبدا است. حوزه‌های تعریف شده در نظریه استعاره مفهومی و مصادیق آن از جهات بسیاری با زمینه‌های مفهومی و کاربردی ضرب المثله‌ها و کنایه‌ها مشابهت‌هایی دارد با توجه به مصنوع بودن عبارات حریری، واکاوی آنها در پرتو نظریه استعاره مفهومی باعث درک عمیق‌تر مخاطب از مطالب می‌گردد و از رهگذر آن می‌تواند مفاهیم انتزاعی را به آسانی درک نماید.

استعاره مفهومی و حوزه‌های مبدأ آن در مقامات حریری فراتر از آن چیزی است که در این گفتار به آن اشاره شده اما اهم حوزه‌های ملموس به عنوان حوزه مبدأ که در این پژوهش بدان پرداخته شده

عبارت‌اند از؛ اعضای بدن انسان، حیوانات، لباسها، ابزارهای جنگی، رنگها و نامهای استعاری اشخاص. این حوزه‌های مبدأ نقش برجسته‌ای در مفهوم‌سازی کنایه‌ها و ضرب المثلها مذکور ایفا نموده‌اند. در ضمن طرحواره حرکتی که یکی دیگر از شاخه‌های استعاره مفهومی است، در بیشتر استعاره‌ها نمود یافته است.

منابع

منابع عربی

قرآن کریم

- حریری، ابی‌محمد القاسم (د.ت). *مقامات*. دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان.
- العسکری، أبوهلال (۱۹۸۸م). *جمهره الأمثال*. ج ۲، بیروت، دار الجیل.
- فاضلی، محمد (۱۳۶۵ش) - «دراسة و نقد فی مسائل البلاغیة هامة»، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی.
- میدانی، أبی الفل احمد بن محمد (۱۷۲م). *مجمع الامثال*. الجزء الاول و الثاني، بیروت، دارالفکر.

منابع فارسی

- آذرنوش، آذرتاش (۱۳۹۲ش). *فرهنگ معاصر عربی-فارسی*. چاپ پانزدهم، تهران، نشر نی.
- آرمان، علیرضا، علوی مقدم، مهیار، تسنیمی، علی، الیاسی، محمود (۱۳۹۸ش) - «نگاشتهای استعاره‌های حیوانات در ضرب المثلهای برآمده از متون ادب فارسی»، *دو ماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه*، سال ۷، شماره ۲۶، خرداد و تیر، صص ۲۴۰-۲۰۷.
- اچيستون، جین (۱۳۷۱ش). *مبانی زبان شناسی*: ترجمه محمد فائض، تهران، نگاه.
- اسودی، علی؛ آب رون، مهدی؛ (۱۴۰۳ش) - «بررسی طرحواره‌های تصویری در ضرب المثلهای عامیانه موصلی». *ادب عربی*، سال ۱۶، شماره ۲، شماره پیاپی ۴۰، تابستان، صص ۷۵-۹۵.
- الهاشمی، احمد (۱۳۸۳ش). *ترجمه و شرح جواهر البلاغه*. مترجم، عرفان حسن، ج ۲، قم.
- بندرریگی، محمد (۱۳۷۴ش). *ترجمه منجد الطلاب*. چاپ یازدهم، تهران، نشر اسلامی.
- بهنام، مینا (۱۳۸۹ش) - «استعاره مفهومی نور در دیوان شمس» *نشریه نقد ادبی*، شماره ۱۰، صص ۹۱-۱۱۴.
- پهلوان نژاد، محمدرضا، محسنی، بلاسم (۱۴۰۳ش) - «واکاوی طرحواره‌های تصویری در ضرب المثلهای لهجه اماراتی) مورد پژوهش: کتاب الرمسة الإماراتیة»؛ *ادب عربی*، سال ۱۶، شماره ۴ زمستان، شماره پیاپی ۴۲، صص ۱۳۹-۱۶۳.

حاجی خان، علی، تک بار فیروزجایی، حسین، صابری، زینب (۱۳۹۷ش) - «بررسی اطنیقی استعاره‌های مفهومی در کنایه های فارسی و مصری» فصلنامه علمی - پژوهشی - پژوهش ادبیات تطبیقی، دوره ۶، شماره ۲، صص ۱۶۷-۱۴۴.

رضایی، محمد، مقیمی، نرجس (۱۳۹۲ش) - «بررسی استعاره‌های مفهومی ضرب المثل‌های فارسی» نشریه مطالعات زبانی - بلاغی، شماره ۸، صص ۱۱۶-۹۱.

گوچش، ژلتن، (۱۳۹۳ش). مقدمه کاربردی بر استعاره: ترجمه شیرین پورابراهیم، نشر: تهران سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم اسلامی و انسانی (سمت).

شکیبایی فر، شهلا، پیشوایی علوی محسن (۱۴۰۱ش) «تحلیل شناختی طرحواره های تصویری در شعر سمیح القاسم با تاکید بر نظریه مارک جانسون» پژوهشنامه نقد ادبی، شماره ۲۵، صص ۳۱۹-۲۹۰.

نجاریان، محمدرضا، (۱۳۹۲ش) - «شرح دشواری های مقامات حریری»، چاپ اول، ناشر، انتشارات دانشگاه یزد.

الهاشمی، احمد (۱۳۸۳ش). ترجمه و شرح جواهر البلاغه. مترجم، عرفان حسن، ج ۲، قم.

هوشنگی، حسین، سیفی پرگو، محمود (۱۳۸۸ش) «استعاره های مفهومی در قرآن از منظر زبان شناسی شناختی» پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم، شماره ۳، صص ۳۵-۹.



تحليل الكنايات والأمثال في مقامات الحريري على أساس اللغويات المعرفية

محمد شيخ^١، رضا ضايبي^٢، عبيد الله كوچ توتاهي^{٣*}

^١ أستاذ مشارك، قسم اللغة العربية وآدابها، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة سيستان وبلوتشستان، زاهدان، إيران.

^٢ أستاذ مشارك، قسم اللغة العربية وآدابها، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة سيستان وبلوتشستان، زاهدان، إيران.

^٣ طالب دكتوراه، قسم اللغة العربية وآدابها، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة سيستان وبلوتشستان، زاهدان، إيران.

الملخص

معلومات المقالة

تعد اللغويات المعرفية من الاتجاهات الجديدة في علم النفس والتي تمتلك أدوات وأساليب فعالة لتحليل النصوص، ومن هذه الأساليب نظرية الاستعارة المفهومية، حيث أن الاستعارات والأمثال لها مفاهيم مجردة ويتطلب التعبير عنها مجالاً محدداً، ودراستها في ضوء هذه النظرية تتطلب دراسة وتحليل النصوص. إن إطار نظرية الاستعارة المفهومية له أهمية كبيرة، وقد تناولت الأبحاث الرائدة، باستخدام المنهج الوصفي التحليلي، الاستعارات المفهومية في الأمثال والتلميحات في أعمال الحريري، وأظهرت نتائجها أن الحريري صاغ الاستعارات والأمثال على أساس مجالات مختلفة من المعرفة. الأصل. مجالات الأصل التي تم فحصها في البحث السابق هي؛ تعتبر أجزاء جسم الإنسان، الحيوانات، أدوات الحرب، الألوان، الملابس، وغيرها من المجالات الأكثر استخداماً والتي يتم من خلالها تكوين المفاهيم والتجريدات العقلية. بالإضافة إلى ذلك، فإن بعض المفارقات، بالإضافة إلى الاستعارة المفهومية، لها أيضاً مخطط حركي. وبما أن معظم الأمثال تتبع من الأفراد، فإن مجالاً آخر بعنوان؛ تم تحليل الأسماء المجازية للأشخاص، حيث أن هذا النوع من الأمثال يكثر استخدامه في المراجع الحبرية، وكثيراً ما يتم ذكرها مع الفعل "التفضيل".

نوع المادة:

مقالة محكمة

تاريخ الوصول:

١٤٤٦/٠٥/٢٩

تاريخ القبول:

١٤٤٦/٠٧/٢٠

الكلمات المفتاحية: المثل، الكناية، مقامات الحريري، الاستعارة المفهومية، اللسانيات المعرفية.

الاقْتباس: شيخ، م. رضايبي، ر. كوچ توتاهي، ع. (١٤٤٦). تحليل الكنايات والأمثال في مقامات الحريري على أساس اللغويات

المعرفية. مقالة محكمة، السنة ١، العدد ٢، صص ١٣٩-١٥٨. DOI: 10.22034/jisall.2025.497150.1032



حقوق التأليف والنشر © المؤلفون.

الناشر: جامعة زابل.

* - البريد الإلكتروني (الكاتب المسؤول): totazahi054@gmail.com

Analysis of proverbs and allusions in Hariri's works based on cognitive linguistics

Dr.Moahmmad Sheikh: Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran.

Dr.Reza Rezaei: Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran.

Obeydollah Koch Totazahi (Corresponding Author): PhD student in Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran. totazahi054@gmail.com

Introduction

The theory of conceptual metaphor, which is one of the topics studied in the field of cognitive linguistics, examines the way of perception and cognition in the human mind. According to this theory, metaphors; They not only have a linguistic function in the service of literature and text, but are also a fundamental tool for understanding abstract and intangible matters in the human mind, and their scope and impact are not at the level of words but in the depth of meaning and concepts. The areas defined in the theory of conceptual metaphor and its examples are similar in many ways to the conceptual and practical areas of proverbs and irony. In such a way that proverbs and irony can also be considered examples of conceptual metaphors that use different fields of origin to convey meanings and concepts appropriate to them. Since proverbs and irony are considered the most general and widely used part of literature, in this research, in addition to examining conceptual metaphors, various schemas are also examined during the discussions presented in order to provide as many reasons and understanding of intellectual foundations as possible.

In 1980, prominent linguists and philosophers George Lakoff and Mark Johnson introduced a groundbreaking theory in cognitive linguistics through their book *Metaphors We Live By*. They argued that the conceptual frameworks shaping human thought extend beyond abstract ideas—they govern everyday actions, perceptions, social interactions, and even mundane details of life. From a cognitive linguistics perspective, a metaphor is the understanding of one conceptual domain in terms of another. Examples like "life as a journey," "argument as war," or "theory as a building" permeate language and cognition. This view can be summarized as: Conceptual Domain A is Conceptual Domain B.

The source domain (used to explain abstract concepts) must:

Be concrete (easily perceived via senses: sight, touch, etc).

Involve physical motion or interaction.

Be clearer (as opposed to ambiguous).

Predate the target domain historically.

Metaphorical expressions often operate subconsciously. Comprehension thus requires two domains: the target domain (the abstract concept) and the source domain (the concrete basis for understanding). Lakoff and Johnson challenged traditional views of metaphor, asserting that: Linguistic metaphors are surface manifestations of deeper conceptual metaphors. These metaphors arise from embodied human experience. They are essential for grasping abstract or intangible ideas.

Image schemas emerge from humans' physical interactions with the world, later encoded into language. They are embodied, meaning bodily experiences directly shape conceptual structures (Asvadi, 2022:262). For instance, motion schemas spatialize abstract concepts by mapping them onto physical movement (e.g., progress as "moving forward"). Here, change is conceptualized as movement toward a destination.

Methodology

The present research method is descriptive-analytical in that it analyzes the proverbs and allegories of Hariri authorities based on conceptual metaphors and their analysis based on different domains of origin. And it seeks to answer the question of what is the importance of examining proverbs and allegories in Hariri authorities based on the theory of conceptual metaphor?

Discussion and Results

From the perspective of cognitive linguistics, metaphor is the understanding of one conceptual domain in the form of another conceptual domain. Life as a journey, debate and argument as war, love as a journey, theory as a building, etc. are all examples that are current in our thought and language. A simple and short way to describe such a view of metaphor can be as follows: Conceptual domain A is the same as conceptual domain B, which is called conceptual metaphor (Kouchesh: 26, 2014). The basis of Lakoff and Johnson's theories on conceptual metaphor is based on the following: - Linguistic metaphors are an objective and superficial manifestation of conceptual metaphors - These metaphors are derived from human daily experiences. - Metaphors are the only way to understand and perceive abstract and intangible ideas (Behnam: 2,138). Since conceptual metaphors are understood by transferring from an objective conceptual domain to an abstract conceptual domain, and humans acquire this objective concept through their empirical relationships, metaphors, which have these objective characteristics more than any other linguistic form, are of great importance in cognitive linguistics (Hajikhani et al.: 150, 2018). In conceptual metaphor,

we deal with two domains: the source domain to which the proverb refers and our perception of it automatically activates knowledge of the target domain, and in this domain, the proverb is also used in context (Arman et al.: 213, 138).

Conclusion

Based on the research findings, the following results have been obtained:

- Proverbs and allegories are based on the demands of the inner life of society and are tied to the culture of each nation. Understanding their concepts requires more physical and experimental areas. Given the artificiality of Hariri's expressions, analyzing them in the light of the theory of conceptual metaphor allows the audience to understand the material more deeply and through it to easily understand abstract concepts.

- Conceptual metaphor and its areas of origin in Hariri's references go beyond what is mentioned in this speech, but the most important tangible areas as areas of origin that are addressed in this research are: human body parts, animals, clothes, war tools, colors and metaphorical names of individuals. These source areas have played a prominent role in conceptualizing the aforementioned metaphors and proverbs.

Proverbs and idioms arise from the lived experiences of a society and are deeply intertwined with its culture. Understanding their meanings requires source domains—concrete, experiential frameworks—as outlined in Conceptual Metaphor Theory (CMT). The conceptual domains defined in CMT share significant similarities with the underlying structures of proverbs and idioms. Given the crafted nature of Hariri's Maqamat, analyzing them through the lens of CMT allows for a deeper comprehension of their abstract concepts, making them more accessible to the audience.

References

- Aarafat, A. (2013). *Contemporary Arabic-Persian dictionary* (15th ed.). Nashr-e Ney. {In Persian}
- Ahmadi, M. (2004). *Translation and commentary of Jawahir al-Balagha* (Vol. 2, E. Hassan, Trans.). Qom. {In Persian}
- Al-Askari, A. (1988). *Jamharat al-Amthal* (Vol. 2). Dar al-Jeel. {In Arabic}
- Al-Hashimi, A. (2004). *Translation and commentary of Jawahir al-Balagha* (Vol. 2, E. Hassan, Trans.). Qom. {In Persian}
- Arman, A., Alavi Moghadam, M., Tasnimi, A., & Elyasi, M. (2019). "The mapping of animal metaphors in proverbs derived from Persian literary texts." *Bimonthly Journal of Folk Culture and Literature*, 7(26), 207–240. {In Persian}
- Asvadi, A., & Abrun, M. (2024). "Investigating image schemas in Mosuli colloquial proverbs." *Arabic Literature*, 16(2), 75–95. {In Persian}

- Bandar Rigi, M. (1995). *Translation of Munjid al-Tullab* (11th ed.). Islamic Publishing. {In Persian}
- Behnam, M. (2010). "The conceptual metaphor of light in the Divan-e Shams." *Literary Criticism Journal*, 10, 91–114. {In Persian}
- De Saussure, F. (1992). *Course in general linguistics* (M. Fazel, Trans.). Negah. (Original work published 1916) {In Persian}
- Fazeli, M. (1986). *A study and critique of important rhetorical issues*. Ferdowsi University Press. {In Persian}
- Haji Khan, A., Takbar Firoozjaei, H., & Saberi, Z. (2018). "A comparative study of conceptual metaphors in Persian and Egyptian proverbs." *Comparative Literature Research Quarterly*, 6(2), 144–167. {In Persian}
- Hariri, A. (n.d.). *Maqamat*. Dar Ihya al-Turath al-Arabi. {In Arabic}
- Johnston, M. (2014). *A practical introduction to metaphor* (S. Pour Ebrahim, Trans.). SAMT. (Original work published 2002) {In Persian}
- Maydani, A. (172). *Majma' al-Amthal* (Vols. 1–2). Dar al-Fikr. {In Arabic}
- Najjarian, M. (2013). *Explaining the difficulties of Hariri's Maqamat*. Yazd University Press. {In Persian}
- Pahlavan Nejad, M., & Mohseni, B. (2024). "Analyzing image schemas in Emirati dialect proverbs (Case study: *Al-Ramsa al-Emiratiya*)." *Arabic Literature*, 16(4), 139–163. {In Persian}
- Rezaei, M., & Moghimi, N. (2013). "A study of conceptual metaphors in Persian proverbs." *Linguistic-Rhetorical Studies Journal*, 8, 91–116. {In Persian}
- Shakibaei Far, S., & Pishvaei Alavi, M. (2022). "A cognitive analysis of image schemas in Samih al-Qasim's poetry with emphasis on Mark Johnson's theory." *Literary Criticism Research Journal*, 25, 290–319. {In Persian}
- Hooshangi, H., & Seifi Pargoo, M. (2009). "Conceptual metaphors in the Quran from a cognitive linguistics perspective." *Quranic Sciences and Teachings Research Journal*, 3, 9–35. {In Persian}